

جوان

نگاه

باید سرمایه گذاری کنیم

حجت‌الملك پناه | فعال دانشجویی هلال‌احمر اردبیل

نجات جان یک فرد و کمک به هموع از آن دست لذت‌هایی است که در جان و دل آدمی رخنه می‌کند و کسی که طعم این لذت را چشیده باشد نمی‌تواند از آن دست بکشد. اشتیاق برای تجربه این حس، باعث جذب من به سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر شد و در حال حاضر سال هاست که با این سازمان عام‌المنفعه و انساندوست همکاری دارم. متأسفانه با خوشبختانه من از دوران دانشجویی با جمعیت و برنامه‌های آن آشنا شدم؛ یکی از دوستانم که دبیر کلون دانشجویی بود در این آشنایی و ایجاد انگیزه مضاعف نقش مهمی داشت. تمام اهداف و اصول جمعیت، اعضا را ترغیب به دیگر دوستی می‌کنند، البته جوانان نیز گویی این پتانسیل را به صورت نهفته دارند و با آشنایی با جمعیت، این نیرو باقی‌مانده می‌شود چون در بسیاری از برنامه‌ها تلاش بی‌وقفه جوانان را شاهدیم. هلال‌احمر، سازمانی است که در آن به خلاقیت جوانان اهمیت زیادی داده می‌شود و اگر جوانی طرح یا برنامه‌ای داشته باشد می‌تواند به راحتی آن را به مسئولان رده بالاتر ارائه دهد و بسیاری از طرح‌های اجرایی از میان همین ایده‌ها و طرح‌های پیشنهادی اعضا به منصه ظهور می‌رسند. یکی از طرح‌هایی که برای من خیلی جالب بود که اجرایی شد، طرح ارزیابی بود که در این طرح پیشنهادات و انتقادات تمام اعضای جمعیت در هر حوزه و کانونی جمع‌آوری و به کارشناسان امر ارجاع داده شد تا در برنامه و طرح‌های آینده از آنها بهره لازم برده شود. هلال‌احمر، سازمانی بشردوستانه است که تمام هم و غم خود را در این عرصه قرار داده تا به همه ما بیاموزد که همعنوان خود را فراموش نکنیم و با این رویه مطمئن هستیم در سال‌های آتی جمعیت می‌تواند به چشم‌انداز خود، هر خانواده یک‌امدادگر برسد.

جوانان هلال و رسیدن به اهداف دور و دراز

مجتبی کریمی | فعال جوان هلال‌احمر استانبول

سال ۸۰ بود که تبلیغات جمعیت باعث شد به فعالیت‌های آن علاقه‌مند شوم و تاکنون افتخار فعالیت در عرصه‌های مختلفی هلال‌احمر را داشته‌ام؛ سازمان جوانان، سازمان داوطلبان و امدادونجات. در حال حاضر در بخش امدادونجات سعی می‌کنم فرم‌های باشم، فعالیت در جمعیت به علاقه خاصی نیاز دارد چون نبود علاقه باعث می‌شود اعضا پیگیر برنامه‌ها نشوند. عضویت در آن می‌تواند آنها را احساس کرده پرورش حس نوعدوستی بکسی از زیباترین حس‌هایی است که آدمی می‌تواند آن را تجربه کند. یکی از آموزش‌های جمعیت، خودماددی است چون تا فردی نتواند از خود مراقبت نکند، نمی‌تواند کمک‌حال دیگران باشد. علاقه اولیه به برنامه‌های جمعیت ما جذب هلال‌احمر کرد و شور و شوق آموزش‌ها، برنامه‌ها و تشویق دوستان باعث شد تمام این سال‌ها با رضایت خاطر در جمعیت فعالیت کنم. یکی از ویژگی‌های شخصیتی من این است که قبل از ورود به هر عرصه‌ای در آن زمینه مطالعه می‌کنم، برای همین نتایج نهایی در زمینه اصول هفتگانه جمعیت مطالعه کردم و همین باعث شد در چرخه‌های بیشتری از اهداف جمعیت به روی من باز شود. من به جوانان توصیه می‌کنم مطالعه‌ای در این زمینه داشته باشند، حتماً برایشان تمرکز مهم خواهد بود. البته سازمان جوانان برنامه‌های مختلفی برای جذب و ماندگاری جوانان دارد و می‌توان گفت تا حدودی هم موفق بوده‌است. یکی از حس‌های قشنگی که من تجربه کرده‌ام این است که بسیاری از دانش‌آموزان جذب جمعیت شده‌اند؛ من در یک مدرسه ناظم هستم و از آن‌جا که با بخش امدادونجات جمعیت در ارتباطم، برنامه‌ها و مانورهایی را در مدرسه اجرا می‌کنم. همین اواخر به‌طور نمادین مانور زلزله‌زده را در مدرسه اجرایی کردم و حضور مسئولانی از بخش امدادونجات باعث انگیزه و تشویق دانش‌آموزان شد. یکی از اهداف مهم و اساسی جمعیت برنامه‌های بشردوستانه است که کاروان‌های نیکوکاری و سلامت در مناطق محروم به همین منظور برگزار می‌شوند. به‌عنوان مثال مراجعه کاروان سلامت به یکی از روستاهای محروم فریدون شهر اصفهان باعث شد ساکنان این روستا که به دلیل عدم امکانات نمی‌توانستند از خدمات پزشکی بهره‌مند شوند به‌صورت رایگان خدمات بگیرند. در این کاروان‌ها متخصصان مختلف شرکت می‌کنند و به‌صورت رایگان به افراد نیازمندان راه خدمات می‌کنند. با توجه به تمام این برنامه‌ها و پتانسیل‌های موجود انشالله روزی فراخواهد رسید که جمعیت، چشم‌اندازهای حتی دور خود را نیز دست‌یافتنی خواهد یافت.



شهرود | این یک گفت‌وگو با محمد شمس معاون کلون دانشجویی هلال‌احمر دانشگاه کرمان از جوانان فعال در شاخه دانشجویی سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر است.

در آغاز از نحوه ورود او به فعالیت‌های دانشجویی هلال‌احمر می‌پرسیم.
شمس می‌گوید بعد از ۲ سال وقفه با تعدادی از دوستان، کلون را دوباره برپا کردیم.

قبولی در دکتری داروسازی دانشگاه کرمان باب آشنایی من با جمعیت هلال‌احمر بود اما به علاقه خاصی نیاز دارم چون نبود علاقه باعث می‌شود اعضا پیگیر برنامه‌ها نشوند. عضویت در آن می‌تواند آنها را احساس کرده پرورش حس نوعدوستی بکسی از زیباترین حس‌هایی است که آدمی می‌تواند آن را تجربه کند. یکی از آموزش‌های جمعیت، خودماددی است چون تا فردی نتواند از خود مراقبت نکند، نمی‌تواند کمک‌حال دیگران باشد. علاقه اولیه به برنامه‌های جمعیت ما جذب هلال‌احمر کرد و شور و شوق آموزش‌ها، برنامه‌ها و تشویق دوستان باعث شد تمام این سال‌ها با رضایت خاطر در جمعیت فعالیت کنم. یکی از ویژگی‌های شخصیتی من این است که قبل از ورود به هر عرصه‌ای در آن زمینه مطالعه می‌کنم، برای همین نتایج نهایی در زمینه اصول هفتگانه جمعیت مطالعه کردم و همین باعث شد در چرخه‌های بیشتری از اهداف جمعیت به روی من باز شود. من به جوانان توصیه می‌کنم مطالعه‌ای در این زمینه داشته باشند، حتماً برایشان تمرکز مهم خواهد بود. البته سازمان جوانان برنامه‌های مختلفی برای جذب و ماندگاری جوانان دارد و می‌توان گفت تا حدودی هم موفق بوده‌است. یکی از حس‌های قشنگی که من تجربه کرده‌ام این است که بسیاری از دانش‌آموزان جذب جمعیت شده‌اند؛ من در یک مدرسه ناظم هستم و از آن‌جا که با بخش امدادونجات جمعیت در ارتباطم، برنامه‌ها و مانورهایی را در مدرسه اجرا می‌کنم. همین اواخر به‌طور نمادین مانور زلزله‌زده را در مدرسه اجرایی کردم و حضور مسئولانی از بخش امدادونجات باعث انگیزه و تشویق دانش‌آموزان شد. یکی از اهداف مهم و اساسی جمعیت برنامه‌های بشردوستانه است که کاروان‌های نیکوکاری و سلامت در مناطق محروم به همین منظور برگزار می‌شوند. به‌عنوان مثال مراجعه کاروان سلامت به یکی از روستاهای محروم فریدون شهر اصفهان باعث شد ساکنان این روستا که به دلیل عدم امکانات نمی‌توانستند از خدمات پزشکی بهره‌مند شوند به‌صورت رایگان خدمات بگیرند. در این کاروان‌ها متخصصان مختلف شرکت می‌کنند و به‌صورت رایگان به افراد نیازمندان راه خدمات می‌کنند. با توجه به تمام این برنامه‌ها و پتانسیل‌های موجود انشالله روزی فراخواهد رسید که جمعیت، چشم‌اندازهای حتی دور خود را نیز دست‌یافتنی خواهد یافت.

ندا یارایی | دوران دانشجویی برای همه افراد دوران خاصی است. معمولاً خاطرات این دوران تا سال‌ها بهترین روزهای زندگی فرد را تشکیل می‌دهند. علاقه‌مندی‌ها و سرگرمی‌های داوطلبان نیز اغلب متفاوت و خاص‌تر از سایر افراد اجتماع است. مشارکت اجتماعی دانشجویان در اغلب برهه‌های تاریخی بیش از سایر اقشار اجتماع است و در واقع اجتماعی نیز دانشجویان بیش از سایر افراد اجتماع ایفای نقش می‌کنند. انجام فعالیت‌های داوطلبانه نیز به‌عنوان نوعی از مشارکت است. قاعدتاً مستقیم نیست.

بسیاری از دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها برای برقراری ارتباط با دانشجویان به‌عنوان نقش در اجتماع، گروه‌ها و انجمن‌های دانشجویی یا خیریه‌های دانشجویی را ایجاد می‌کنند. گروهی نیز از گروه‌های دانشجویی پروژه‌های اجتماع محور را طراحی می‌کنند تا دانشجویان با ایفای نقش در آنها در حل مسائل اجتماعی مشارکت داشته باشند. حیطه‌های فعالیت انجمن‌های داوطلبی دانشجویان بسیار متفاوت است؛ از موضوعات علمی، فرهنگی و تفریحی تا فعالیت‌های زیست‌محیطی، مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی و موضوعات حوزه سلامت. بعضی از این فعالیت‌ها وابسته به رشته دانشگاهی دانشجویان و تخصص آینده آنهاست؛ مانند انجمنی از دانشجویان پزشکی که به‌صورت داوطلبانه به انجام معاینات سلامتی در مناطق محروم می‌پردازد. بعضی نیز به تخصص دانشجویان ارتباطی ندارد و به‌عنوان مسئولیت اجتماعی انجام می‌شود؛ مانند فعالیت‌های پاکسازی طبیعت در جنگل‌های شمال کشور که توسط دانشجویان دانشگاه‌های این استان راه‌اندازی شده است.

به‌جز فعالیت‌های داوطلبی دانشجویان در چارچوب دانشگاه، تعداد زیادی از داوطلبان موسسات خیریه و سازمان‌های منزه دانشجویان هستند. شاید به جرات بتوان گفت موسسات نیروری دانشجویان بیش از سایر اقشار اجتماع برای داوطلب شدن سرمایه‌گذاری می‌کنند. چنانچه بسیاری از موسسات با قرار دادن میز معرفی یا برگزاری سخنرانی‌های مربوط به حیطه‌های ماموریت خود در دانشگاه‌ها سعی در جلب دانشجویان دارند. در این میان گروه‌های دوستی دانشجویی نقش بسزایی در داوطلب شدن دانشجویان دارد و چون گروه‌ها هم تجربه (peer groups) در سنن نوجوانی و جوانی بر انتخاب‌ها و سبک زندگی تأثیر بسزایی می‌گذارد؛ در صورتی که یک دانشجوی داوطلب موسساتی شود

که از این تعداد ۱۰۰ نفر تا مرحله نهایی پیش رفتند.

سوالم درباره برنامه‌های اجرایی شده در راستای پوشش اهداف جمعیت است.
او از دادن مسئولیت به اعضا و نقش حامی بودن می‌گوید.

اهداف ابتدایی هلال‌احمر کارهای امدادونجات را پوشش می‌دهد اما در سازمان جوانان روی این هدف کمتر تمرکز می‌شود. در این حوزه بیشترین تمرکز روی مدیریت محور شدن اعضاست. در زمینه مدیریت محوری سعی بر این است تا اعضا برای شرایط استرس‌زا و بحرانی آماده شوند و یاد بگیرند در این شرایط چگونه تصمیم‌گیری کنند تا بهترین عملکرد و بازدهی را داشته باشند. در این کلون ما تلاش کرده‌ایم نگاه مدیریت محوری که در سازمان جوانان وجود دارد را به اعضا تزریق کنیم. این تزریق به این صورت است که ما مسئولیت‌هایی را به اعضا می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم تمام کارها را بسا خلاقیت و تصمیم‌گیری خودشان پیش ببرند و تنها به‌عنوان حامی و کسانی که شاید تجربه بیشتری داریم، روی ما حساب کنند.

می‌پرسیم: آموزش‌هایی که در کلون دانشجویی کرمان دنبال می‌شود چه هدفی و رانسانه رفته است؟

شمس می‌گوید: هدف ما تربیت افراد توانمند در شرایط بحرانی است. در دوره‌های آموزشی که در جمعیت برگزار می‌شود، هیچ‌گاه افراد را به صورت عملیاتی در معرض آن شرایط قرار نمی‌دهند. ما در کلون

خودمان سعی داشتیم آموزش‌هایی ارائه بدهیم که در شرایط بحرانی که فرد با آنها روبرو است یا امکان به وجود آمدنشان در کشور بالاست، افراد توانمند باشند. به‌عنوان مثال در زلزله یا سیل کسانی که دوره‌های آموزشی را گذرانده‌اند، می‌توانند متمرکز باشند ولی این که آیا می‌توانند گروهی از ۱۵ یا ۳۰ نفر را مدیریت کنند و افراد گروه از او حرف‌شنوی داشته باشند و... از سولاتی است که در دوره‌های آموزشی امدادونجات به آن پاسخ داده نمی‌شود و ما با آموزش‌هایی در این زمینه سعی داریم چنین افرادی را تربیت کنیم. برای ترویج این آموزش‌ها برنامه‌هایی را مدنظر داریم که فعلاً در مراحل سازمانی باقی مانده است.

از تبلیغات کلون برای جذب اعضا می‌پرسیم.

او از فعالیت‌های داوطلبانه می‌گوید که در حال حاضر مسئولیتی را به عهده دارند. یکسری بروشور درباره سازمان جوانان و کلون‌های هلال‌احمر و این که چرا اعضا در کنار هم قرار گرفته‌اند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند، آماده کرده‌ایم - جالب بود که به دلیل جامع و کامل بودن بروشور‌ها مدیرعامل استان دستور داد که تیراژ بالا در سطح استان پخش شود - افرادی که در بخش جذب و سازماندهی فعال هستند برنامه تبلیغاتی را به‌صورت چهره به چهره ترتیب داده‌اند و با گرفتن مجوز از معاون آموزشی سر کلاس‌ها حاضر می‌شوند و یکسری توضیحات را در زمینه اهداف کلون هلال‌احمر و سازمان جوانان به دانشجویان ارائه می‌دهند، البته گفتنی

است که تأثیر این نوع تبلیغات بیشتر از گذشته بوده تبلیغات چهره به چهره توسط خود داوطلبان کلون انجام شده؛ اعضایی که در حال حاضر در بخش جذب و سازماندهی کلون مسئول هستند، من در چارت کلون‌های هلال‌احمر یکسری نقض‌هایی وجود دارد و برخی مسئولیت‌ها تعریف نشده‌اند. به‌عنوان مثال ما مسئولی به نام مسئول جذب و سازماندهی نداریم یا قفدان مسئول روابط عمومی مشهود است یا مسئول مالی تعریفی ندارد. مادر کلون دانشجویی کرمان برای هر یک از این موارد چارتی را تعریف کرده‌ایم. از نتایج مثبت این کار این است که اولاً حجم کار بین اعضا تقسیم می‌شود، ثانیاً حس مسئولیتی که مد نظرمان است به دوستان منتقل می‌شود. در واقع در هر واحد حدود ۶۰ نفر فعال هستند. به‌عنوان مثال واحد جذب و سازماندهی ۱۰۰ نفر عضو دارد که طرح و ایده می‌دهند و اجرایی کردن ایده‌ها نیز با خودشان است.

از برنامه‌های بشردوستانه کلون دانشجویی کرمان می‌پرسیم.
شمس می‌گوید:

هیچ چیزی غیرممکن نیست و به هر چه فکر کنیم دست خواهیم یافت. ولی این رسیدن می‌طلبد که برنامه مدونی در پیش بگیریم و این که در بین افراد احساس نیاز را به وجود بیاوریم. اگر این نیاز کم می‌توانم در حادثه‌ای در صحنه حضور داشته باشم و به همعوانم کمک کنم در بین تک‌تک ما به وجود بیاید که بی‌آموختن اطلاعات اولیه برای پاسخگویی به این نیاز خواهیم رفت و در این شرایط است که ما هر خانواده ایرانی یک امدادگر خواهیم داشت. اما تا زمانی که این نیاز احساس نشود و ما نتوانیم این نیاز را به جامعه تزریق کنیم دست یافتن به آن هدف نهایی کمی غیرممکن یا سخت خواهد بود.

از برنامه‌های بشردوستانه کلون دانشجویی کرمان می‌پرسیم.
شمس می‌گوید:

هیچ چیزی غیرممکن نیست و به هر چه فکر کنیم دست خواهیم یافت. ولی این رسیدن می‌طلبد که برنامه مدونی در پیش بگیریم و این که در بین افراد احساس نیاز را به وجود بیاوریم. اگر این نیاز کم می‌توانم در حادثه‌ای در صحنه حضور داشته باشم و به همعوانم کمک کنم در بین تک‌تک ما به وجود بیاید که بی‌آموختن اطلاعات اولیه برای پاسخگویی به این نیاز خواهیم رفت و در این شرایط است که ما هر خانواده ایرانی یک امدادگر خواهیم داشت. اما تا زمانی که این نیاز احساس نشود و ما نتوانیم این نیاز را به جامعه تزریق کنیم دست یافتن به آن هدف نهایی کمی غیرممکن یا سخت خواهد بود.

به بهانه روز دانشجو



معاون کلون دانشجویی هلال‌احمر دانشگاه کرمان از طرح‌های اجرایی‌اش می‌گوید

هیچ چیز غیرممکن نیست

به یکی از مناطق محروم جنوبی استان اختصاص بدهیم. این مسأله باعث رنجش اعضای واحد بشردوستانه شد و هنوز طرح جایگزین برای آن ارائه نکرده‌اند، البته یکی از کارهای ابتکاری که بچه‌ها انجام دادند این بود که یکسری از مناطق محروم استان کرمان را که امکان دسترسی به داروهای اوتیسی برایشان وجود نداشت، شناسایی کردند و با همکاری معاونت دارو و غذای دانشگاه داروهای را تهیه و در بین نیازمندان توزیع کردند.

از او می‌پرسیم فکر می‌کنید چطور می‌توانید به اهداف انسانی‌دوستانه خود با وجود منابع و زیر و درشت بسیار دست پیدا کنید؟
شمس می‌گوید:

هیچ چیزی غیرممکن نیست و به هر چه فکر کنیم دست خواهیم یافت. ولی این رسیدن می‌طلبد که برنامه مدونی در پیش بگیریم و این که در بین افراد احساس نیاز را به وجود بیاوریم. اگر این نیاز کم می‌توانم در حادثه‌ای در صحنه حضور داشته باشم و به همعوانم کمک کنم در بین تک‌تک ما به وجود بیاید که بی‌آموختن اطلاعات اولیه برای پاسخگویی به این نیاز خواهیم رفت و در این شرایط است که ما هر خانواده ایرانی یک امدادگر خواهیم داشت. اما تا زمانی که این نیاز احساس نشود و ما نتوانیم این نیاز را به جامعه تزریق کنیم دست یافتن به آن هدف نهایی کمی غیرممکن یا سخت خواهد بود.

دانشجویان و فعالیت داوطلبی

مشارکت کنند. فرصت برای ابراز وجود و هویت‌یابی، یادگیری، کسب تجربه و به دست آوردن سابقه کاری، قرار گرفتن در گروه و برخورداری از فرصت‌های عضویت در گروه (دوستیابی و ارتباط با اقشار مختلف)، فرصت برای تصمیم‌گیری، برنامهریزی و حل مسائل اجتماعی و ارضای نیازهای اجتماعی و تعدادی از دلایل این مشارکت هستند.

مسائل اجتماعی و روانشناختی هر دو بر میزان مشارکت دانشجویان مؤثر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد هر چه در یک جامعه میزان اعتماد بیشتری بین افراد وجود داشته باشد، افراد حس کنترل بیشتری روی مسائل اجتماعی داشته و ادراک بالاتری نسبت به توانمندی‌های خود داشته باشند، احتمال درگیر شدن آنها در یک فعالیت مشارکتی بیشتر

احتمالاً سایر دوستان هم دانشکده‌های خود را نیز جلب آن فعالیت می‌کنند. به‌علاوه چون دانشجویان تجربه کمی در بازار کار دارند و زمانشان نیز برای پرداختن به کار حرفه‌ای آزاد نیست، کار داوطلبانه علاوه بر ایجاد تجربه اجتماعی و حتی حرفه‌ای می‌تواند بعداً نقش بسزایی در پیشینه حرفه‌ای آنها ایفا کند و در کنار آن بخش کوچکی از نیاز موسسات را نیز برآورده می‌کند. البته این اتفاق از سویی سبب ناپایداری فعالیت داوطلبی در موسسات نیز می‌شود، چون اغلب دانشجویان با کسب تجربه کافی یا با پایان درس و لزوم اشتغال در حرفه خود، فعالیت داوطلبی را رها می‌کنند.

عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های داوطلبانه دانشجویان به دلایل متعددی ممکن است در فعالیت‌های داوطلبانه



است. به‌علاوه میزان اعتماد اجتماعی، میزان اعتقاد به داشتن حق انتخاب و عدم اعتقاد به تبعیض طبقه اجتماعی اقتصادی متوسط، تحصیلات بالاتر، جو فرهنگی، فراوانی انجام این فعالیت در بین گروه همسالان و دوستان و ویژگی‌های شخصیتی همه می‌توانند از عوامل گرایش دانشجویان به فعالیت‌های داوطلبانه باشند.

تأثیر فعالیت اجتماعی بر دانشجویان

مشارکت در اجتماع و انجام فعالیت‌های اجتماعی بر خودبنداره (ادراک فرد از توانمندی‌هایش) تأثیر مستقیم دارد. همچنین افرادی که برای حل مسائل افرادی به غیر خودشان فعالیت می‌کنند، معنا و غنای بیشتری در درون خود احساس می‌کنند و مسائل شخصی کمتر از پیشانی می‌کند. افراد مشارکت‌کننده در گروه نسبت به سایر افراد تنش روانشناختی کمتری تجربه می‌کنند و سلامت روانشناختی بیشتری را ابراز می‌کنند.

خاطرات یک دانشجوی داوطلب

پر از انرژی به نظر می‌رسید. انگار نه انگار ساعت‌ها روی پا ایستاده بودم و با وجود این که از نظر اجتماعی - اقتصادی عضو خانواده توانمندی بود، از رهگذران خواهش کرده بودم تا بیمارانی تحت حمایت موسساتی که او داوطلبش بود، حمایت کنند. وقتی فرصتی پیدا کرد که با هم بیشتر حرف بزنیم به من گفت که عضویت در این موسسه مردنه‌هاست کم‌کردن بر خجالتی بودن خود فایده دارد و علاوه بر این که جرات‌مندتر رفتار می‌کنند، فرصتی هم پیدا کرده تا با افراد متخصصی که در رشته او سال‌ها تجربه دارند از تباطلات خوبی پیدا کنند و برای مشارکت در پروژه‌های آنها مجبور شده کار گام‌های توانمندساز عالی‌ای را بگذرانند و بر مطالب متفاوتی اشراف پیدا کنند. احساس می‌کرد دیدش گسترش یافته و از جنبه جدیدی که قبلاً به آنها آگاهی نداشت هم می‌تواند به مسائل نگاه کند. البته به نظر او این که در موسساتی داوطلب شود که به داوطلبان خود اهمیت دهد، فرصت‌های مناسبی برای قدرانی از داوطلبان مهیا کند و اجازه دهد داوطلبان یاد بگیرند و مشارکت کنند، بسیار مهم است. او تجربه‌های ناخوشایندی هم از موسسات بی‌برنامه یا موسساتی که احساس مورد سوءاستفاده قرار گرفتن را هم به او داده بودند، نیز داشت. ولی معتقد بود همه اینها تجربه‌های ارزشمندی از تعاملات اجتماعی و فعالیت حرفه‌ای برایش بودند.